

## تحقیق در سایه استعمار: رویکرد زیگموند کوئل در معرفی پیامبر اسلام (ص)<sup>۱</sup>

راضیه سیروسی القار<sup>۲</sup>

استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

### چکیده

زیگموند کوئل، یکی از نمایندگان برجسته رویکرد تیشیری و استعماری در مطالعات اسلامی در غرب است که با همین رویکرد، حضرت محمد(ص) را با حضرت عیسی(ع) مقایسه کرد تا اسلام را دینی دروغین، خشن و برگرفته از مسیحیت نشان دهد. این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی بدین پرسش است که کوئل با تکیه بر چه مبنا و منابعی حضرت محمد(ص) را ضد مسیح خوانده است؟ کوئل با نگارش کتاب محمد و محمدیانیم ضمن اثبات برتری مسیحیت بر اسلام بر آن بود که به نظریه ضد مسیح خواندن پیامبر اسلام(ص) جامه عمل بپوشاند. او به‌رغم بهره‌گیری از شماری منابع اسلامی، با گزینش‌های سلیقه‌ای و جهت‌دار از روایات تاریخی و ارائه تفسیری دگرگونه از آنها نخست با تکیه بر نظریه تکامل اجتماعی مدعی می‌شود که ظهور دین اسلام، محصول شرایط زیست‌محیطی و سیاسی عربستان بوده؛ و سپس در بازنمایی چهره حضرت محمد(ص) به عنوان پیام‌آور اسلام، همان ادعاها و انگاره‌های شرق‌شناسان پیشین، مانند تأثیرپذیری اسلام از آیین یهود و مسیح، جنگ‌طلبی، افسانه‌سازی و انتساب اختلالات روانی به پیامبر را تکرار می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** زیگموند کوئل، اسلام‌شناسی در غرب، اسلام‌شناسی تیشیری-استعماری، محمد(ص) در اروپا.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): Iran.r.sirousi@cfu.ac.ir

## مقدمه

بریتانیا، در سال ۱۸۰۶ م، پس از نبرد با هلند، استان مهم پیک<sup>۳</sup> (دماغه امید نیک) را ضمیمه متصرفات خود نمود. پیک، توقف‌گاه کشتی‌هایی بود که از اروپا به سمت مستعمرات خاور دور حرکت می‌کرد و بدین سبب، نقش مهمی در تجارت آفریقای جنوبی داشت. پس از تصرف این منطقه بود که استعمار بریتانیا در جنوب آفریقا گسترش یافت و به تدریج، اطراف پیک و ناتال<sup>۴</sup> به تصرف بریتانیا درآمد (Gilmour, 2007: 1762).

در این زمان پیوند استعمار و فعالیت‌های تبلیغی مسیحیت، بیش از هر زمان دیگری خودنمایی می‌کرد. بخصوص که احیای مسیحیت انجیلی در پایان قرن هجدهم، بسیاری از مناطق شمال اروپا را فرا گرفته بود. مسیحیت انجیلی، شاخه‌ای از مذهب پروتستان است که باورمندان به آن اعتقاد داشتند نجات، فقط در آگاهی از گناه و پذیرش انجیل عیسی مسیح است و فردی که نجات یافت، می‌بایست دیگران را نیز با حقیقت دین مسیح آشنا نماید. طبق منشوری که در انجمن به تصویب رسیده بود، مبلغین با روشهای مختلف تبلیغ آشنا شده و از طریق ارتباط نزدیک با بومیان در نواحی شرقی، آنان را به کیش مسیحیت دعوت می‌کردند (Hourani, 1992: 28). از این پس، جوامع تبشیری مسیحیت انجیلی، آفریقای جنوبی را به عنوان مکان جدیدی برای مأموریت تبلیغی خود در نظر گرفتند. کیپ، نخستین مرکزی بود که مبلغان مسیحی در آنجا حضور یافتند و در پایان قرن نوزدهم توانستند پایگاه‌های مهمی در مناطق مختلف آفریقای جنوبی تأسیس نمایند (Gilmour, 2007: 1762).

مبلغان مسیحی، برای ارتباط با بومیان آفریقایی، به ناچار می‌بایست به مطالعه زبان‌های آفریقای جنوبی می‌پرداختند. بدین ترتیب، رابطه عمیقی بین مبلغان، استعمار و مطالعه زبان در آفریقای جنوبی به وجود آمد. تمامی فرق پروتستان، بر این موضوع تأکید داشتند که دسترسی مستقیم به ترجمه زبان محلی کتاب مقدس، یکی از مهم‌ترین پایه‌های ایمان

---

3. Cape.

4. Natal.

مسیحی به شمار می‌رود. مبلغین مسیحی، دو اقدام کلیدی را در دستور کار قرار دادند. از یک سو، کتاب مقدس را به لهجه و گویش‌های مختلف بومی ترجمه کردند و از سوی دیگر، سواد بومی را در مناطق هدف آفریقای جنوبی افزایش دادند. ترجمه کتاب مقدس، آموزش سوادآموزی، تهیه مجموعه‌ای از متون زبانی نظیر دستور زبان، فرهنگ لغت، واج‌شناسی، صرف‌شناسی، نحو، معناشناسی، آوانگاری و انتشار آهنگ‌ها، داستان‌ها و انواع دیگر روایت‌ها به زبان‌های آفریقایی، تنها بخشی از اقدامات مبلغین زبان‌شناس بود. مبلغان، معمولاً از خاطرات روزانه و مکاتبات بومیان استفاده می‌کردند تا علاوه بر مباحث زبان‌شناسی، با فرهنگ و اندیشه‌های درونی بومیان در جهت اهداف تبشیری خود آگاه شوند (ibid, 1763).

زیگموند کوئل، نمونه برجسته مبلغینی است که تحقیقات گسترده‌ای درباره زبان‌های آفریقایی به انجام رسانده است. مهارت وی در زبان‌شناسی تا بدانجا پیش رفت که روایت‌هایش از منظر ترکیب کلمات، گرامر و ساختار زبان، به مانند لهجه واقعی سیاه‌پوست است و به هیچ وجه مانند سخنی نیست که فردی خارج از این قوم گفته باشد. وی، درباره روش یادگیری زبان‌های بومی بیان می‌کند: «من از بومیان آفریقایی می‌خواستم تا هر چیزی را که دوست دارند، به زبان خودشان به من بگویند تا من آن را کلمه به کلمه بنویسم. به تدریج نسخه‌ای حدود ۸۰۰ صفحه را جمع‌آوری کردم که منبع موثقی برای بررسی دستور زبان بود. بالطبع، این روش، بهترین راهکار برای آموزش زبان جدید و توسعه نیافته است» (koelle: 1854, vi).

چنین روشی، علاوه بر یادگیری زبان بومی، خواننده را تا حدود زیادی با دنیای درونی و افکار سیاه‌پوستان آشنا می‌کند. بدین طریق، کوئل به روشنی وظیفه تبشیری خود را به انجام رساند و در آخرین سال‌های زندگی خود، کتاب «محمد و محمدیانیم» را نوشت. وی، هدف خود را از تألیف کتاب، اثبات برتری مسیحیت بر اسلام عنوان می‌کند: (koelle: 1889, vii).

### پیشینه تحقیق

شهرت کوئل به عنوان زبان‌شناس سبب شده که هویت وی به عنوان مبلغ مسیحی کمتر مورد توجه قرار گیرد. این امر، در حالی است که در قرن نوزدهم، زبان‌شناسی و مطالعه زبان‌های آفریقایی، در خدمت وظیفه تبشیری قرار گرفت. نتیجه آن مطالعات زبان‌شناسانه در آخرین اثرش «محمد و محمدیانیزم»<sup>۵</sup>، کاملاً نمایان است. با این همه نویسندگان بعدی که به زندگی و آثار کوئل پرداخته‌اند، نه به این کتاب، بلکه به اندیشه‌های کوئل به عنوان یکی از مبلغان مبرز مسیحی اشاره کرده‌اند. سموئیل زویمر، نویسنده آمریکایی و مبلغ مذهبی در بصره، بحرین، عربستان و آسیای صغیر، از نظرات کوئل در موارد متعدد استفاده کرده و به تکرار و تأیید آن پرداخته است (نک. Thomas, 2020: 444, Zwemer, 1912: 2/124). هری جانستون، مدیر پیشگام استعمار بریتانیا، در کتابی زندگی‌نامه خود فعالیت‌های تبشیری کوئل در کلیسای انگلستان را توصیف کرده است (Johnston, 1923: 413). یوجین استاک، نویسنده کتاب تاریخ انجمن کلیسا، با رویکرد ستایش فعالیت‌های کوئل از وی به عنوان مبلغی سخت‌کوش یاد می‌کند که با سختی تمام با خانواده‌های ترک مسلمان در قسطنطنیه ارتباط برقرار کرده و به تألیف کتاب‌هایی در رد عقاید مسلمانان و تبلیغ مسیحیت به زبان ترکی پرداخت<sup>۶</sup>، ولی بعد از مدتی، دولت وقت دستور به توقیف کتاب‌ها داد. سفیر بریتانیا، به سلطان قسطنطنیه اولتیماتوم داد و بدین سبب، تمامی کتابهای کوئل به وی برگردانده شد. وظیفه تبلیغی کوئل، با تألیف کتاب «محمد و محمدیانیزم» تکمیل شد و در آن سعی کرد تا با اثبات نارسایی و نقص آموزه‌های محمد (ص)، برتری مسیحیت را تقویت کند. (Stock, 1899: 3/115).

احمد غنی، در کتاب «محمد پیامبر در ادبیات فرانسوی و انگلیسی از سال ۱۶۵۰ تا زمان حاضر»، نویسندگانی که در باره پیامبر (ص) اسلام به موضع‌گیری پرداختند، در دو گروه مورد

5. *Mohammed and Mohammedanism.*

6. In refutation of the statement of the Koran that Jesus was not really crucified, Food for Befelection.

مطالعه قرار داده است. گروهی که به عنوان روحانی مسیحی، مأموریت‌های تبلیغی در کشورهای مسلمان‌نشین داشتند و گروه دوم که تعهد قوی مسیحی نداشته و نگاه متعادل‌تری نسبت به حضرت محمد(ص) در پیش گرفتند. غنی، کوئل را در گروه نخست نویسندگان جای داده و براین باور است که دانستن زبان‌های شرقی، به ویژه عربی، و دوره‌های اقامت در جهان اسلام، هرچند در نویسندگان مطلوب باشد، همیشه تضمین‌کننده بی‌طرفی یا همدردی با پیامبر نیست. کوئل، با این که مدتی طولانی را در کشورهای قسطنطنیه، مصر و فلسطین گذراند، اما نظر مساعدی نسبت به پیامبر نداشت (Gunny, 2015: 753). وی، شور و تعصب مسیحی در کتاب کوئل را ادامه همان شور مسیحی ویلیام مویر<sup>۷</sup> می‌داند که مانع ارزیابی صحیح شخصیت پیامبر (ص) شد (ibid, 755). نکته مهم این بود که محققان گروه نخست، با وجود آشنایی با زبان عربی، به واسطه سرسپردگی به دول استعماری و فعالیت‌های تبشیری، نتوانستند از مهارت خود به خوبی بهره بگیرند. به عبارت دیگر، این دسته از محققان، با پیش‌فرض‌های ذهنی خود، به مطالعه منابع می‌پرداختند و آنچه می‌خواستند از آن برداشت می‌کردند.

کسیا علی، محقق آمریکایی و استاد دین در دانشگاه بوستون، در کتاب «زندگی‌نامه‌های محمد»، اهمیت آرای کوئل در تحولات قرن نوزدهم میلادی را مورد بررسی قرار داده است. وی، نشان داد که کوئل در نشر تفکرات سوگیرانه نقش داشت، چرا که از نگاه کوئل، تنها در پرتو دین مسیحیت، می‌توان آیین محمد را ارزیابی کرد. بدین ترتیب، در تمام انگاره‌هایش از حضرت محمد(ص)، بر این مورد تأکید داشته است (Ali, 2014: 205).

ویلیام فیس، در کتاب «محمد و عیسی: مقایسه‌ای بین پیامبران و تعالیم آنها»، بر این تمرکز کرد که تعصب‌های فرهنگی، اغلب مانع مقایسه آشکار و صادقانه محمد(ص) و

---

۷. ویلیام مویر (۱۸۱۹-۱۹۰۵)، یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین نویسندگان غربی است که در کسوت مبلغ، پیرامون زندگانی پیامبر اسلام(ص)، به نگارش کتبی پرداخت. مهمترین کتابش با عنوان زندگانی محمد، نخستین بار در سال ۱۸۵۸م، منتشر شد و در میان متون تولید شده غربی شهرتی بسزا پیدا کرد.

عیسی (ع) می‌شوند و به رد تفکرات سوگیرانه درباره پیامبر (ص) پرداخت. وی، بر این باور بود که کوئل، در نوشتن زندگی‌نامه پیامبر (ص) به مانند مبلغان پیش از خود، پیش فرض ضد مسیح خواندن آن حضرت را مد نظر داشت و تا بدانجا پیش رفت که سعی نمود چنین قالبی را در آموزه‌های دینی و رفتار فردی پیامبر (ص) نشان دهد (Phipps, 1999: 7).

کلینتون بنت، در کتاب «تصویر عصر ویکتوریا از اسلام»، که موضوع آن، نگرش و دیدگاه اسلام‌شناسان انگلیسی نسبت به اسلام در قرن نوزدهم میلادی است، تنها در یک مورد به آرای کوئل اشاره کرده و به بررسی نگرش وی پرداخته است (Bennett, 1992: 96).

یاری و ولوی، در مقاله «تأثیر تبشیر بر انگاره‌سازی اسلام‌شناسان انگلیسی‌زبان از پیامبر اسلام (ص)»، دیدگاه زیگموند کوئل درباره پیامبر (ص) را به عنوان یکی از اعضای جامعه هدف خود، بررسی کرده، اما به جزئیات آرای کوئل و رویکرد وی در معرفی حضرت محمد (ص)، نپرداخته‌اند (یاری و ولوی، ۱۳۹۸: ۲۹۵).

### بافتار تاریخی اثرگذار بر اندیشه تبشیری کوئل

رشد استعمار در قرن نوزدهم تنها به اهداف سیاسی محدود نماند؛ بلکه یکی از مهم‌ترین بازیگران این عرصه، مبلغان پروتستان بودند. زیگموند کوئل (۱۸۲۰-۱۹۰۲)، مبلغ مسیحی با عقاید مذهبی قوی در عصر استعمار بود که با نوشتن متونی درباره پیامبر اسلام (ص)، زمینه‌های فکری هم‌مسلكانش را به تصویر کشید. وی در کلیبرون<sup>۸</sup>، آلمان متولد شد، اما بیشتر عمر خود را در لندن گذراند و تألیفاتش را به زبان انگلیسی نوشت. کوئل در همان اوان جوانی به استخدام کلیسای جامع مبلغین مذهبی درآمد و تحصیلاتش را در دانشکده ایزلینگتون<sup>۹</sup> لندن گذراند.

اسلام‌شناسان بریتانیایی معمولاً به برخی سرزمین‌های شرقی مانند هندوستان، مصر و

8 Cleebornn

9 Islington

شام سفر کرده و شماری از آنان به عنوان کارمند یا مستشار سیاسی یا نظامی در وزارت خانه امور خارجه یا وزارت مستعمرات به کار پرداختند (الزیادی، ۱۳۱). مقصد دیگر بریتانیایی‌ها، سیرالئون در غرب آفریقا بود. از قرن هفدهم بود که مبادلات تجاری بریتانیایی‌ها و از جمله تجارت برده با رؤسای قبایل سیرالئون آغاز شد و تا نیمه قرن نوزدهم ادامه یافت. پس از آن بود که انگلیسی‌ها نفوذ خود را در مناطقی از سیرالئون افزایش دادند (عرب احمدی، ۱۳۹۶: ۳۸). به دلیل همین زمینه‌های تاریخی بود که برای اولین بار، از سوی انجمن مبلغین مسیحیت به سیرالئون در سال ۱۸۴۷ فرستاده شد و در کالج فری‌تاون<sup>۱۰</sup> به تحصیل رشته زبان‌های آفریقایی پرداخت. وی طیف وسیعی از زبان‌های آفریقایی را فراگرفت و زبان عبری و عربی آموخت. مهارت وی در علم زبان‌شناسی تا جایی پیش رفت که به مقایسه زبان‌های آفریقایی پرداخت و بیش از صد زبان را شناسایی کرد که متعلق به نواحی وسیعی از غرب و مرکز آفریقا بود (Smith, walls, 2004: 4/1016). آموزش زبان عبری بهانه‌ای شد تا وظیفه تبشیری کوئل با دقت تمام انجام پذیرد و بدین سبب، در مدت پنج سال اقامت در سیرالئون، تدریس عهد عتیق به دانشجویان آفریقایی مورد توجه قرار گرفت (Tupper and others, 1904: 376).

کوئل در سال‌های ۱۸۵۵-۱۸۵۹ به مأموریت‌های تبلیغی در مصر و فلسطین فرستاده شد (ibid). در سال ۱۸۶۲ بود که به مأموریتی در قسطنطنیه رفت و مدت بیست سال با مسلمانان رفت‌وآمد داشت (Tupper and others, 1904: 376). در همین زمان بود که در جهت اهداف تبشیری خود، آخرین اثر خود به نام کتاب "محمد و محمدیانیزم"، به نگارش درآورد. همانطور که کوئل در مقدمه کتابش بیان کرده، مدت چهل سال را از نزدیک با مسلمانان از طبقات مختلف ارتباط و معاشرت داشته است. در این مدت، سعی داشت تا از طریق ارتباط صمیمانه و نزدیک با مسلمانان، به مساجد و مراکز مذهبی، اعتمادشان را جلب کرده و آنان را برای ورود به دنیای مسیحیت آماده کند. وی، بیان می‌کند: «زمانی که پست

استاد عبری و عربی را در کالج مبلغان کلیسا در خلیج فوره، نزدیک فری تاون، در ساحل غربی آفریقا داشتم، از روستای مسلمان نشین بازدید کردم و با روحانی آنجا چنان صمیمی بودم که غالباً از من دعوت می کرد تا او را تا مسجد همراهی کنم» (Koelle, 1889: ix).

### مبانی فکری کوئل در معرفی پیامبر (ص) به عنوان ضد مسیح

مقایسه مداوم حضرت محمد (ص) و حضرت مسیح (ع)، فصل مشترک متون اسلام شناسانی است که در غرب پیرامون پیامبر اسلام (ص) دست به قلم زده اند. کوئل نیز به مانند هم مسلکانش، محمد (ص) را به عنوان رقیب مسیح (ع) معرفی کرد. وی، با ادبیاتی مغرضانه عنوان می کند: «حضرت محمد (ص)، با بسیاری از اعمال خود در حقیقت دین خویش را از همان ابتدا در رویارویی با مسیحیت قرار داد. در حالی که دین مسیح به عنوان آخرین دین برای همه انسان ها شناخته می شد» (Koelle, 1889: 69).

کوئل، در نخستین صفحات کتابش، حضرت محمد (ص) را متهم می کند که به پیروانش اجازه تفکر و تأمل در مباحث دین نمی دهد. وی، در ابتدا می افزاید که مسلمانان عادت به بررسی مبانی و ادله دین خود ندارند. به آنها آموزش داده می شود که به سؤال «چرا» در مسائل دینی، توجهی نکنند و آموزه های دینی را مسلم و قطعی فرض کنند. این، در حالی است که حضرت عیسی (ع) و به تبع آن، مسیحیان به آزادی مذهبی توجه دارند. البته، ضعف کلام کوئل، در این سخن مشخص می شود که تفسیر دین مسیحیت برای مسلمانان، سبب نخواهد شد که مسیحی شوند، ولی این اقدام، سبب خواهد شد تا مسائلی را از مسیحیان بیاموزند (ibid, vii). در این قسمت، مهم ترین مبانی کوئل در پیش فرض معرفی حضرت محمد (ص) به عنوان ضد مسیح، مورد بررسی قرار می گیرد.

#### ۱. نبوت پیامبر (ص)، برخاسته از شرایط زمینه ای

در پیش فرض ساختگی کوئل، نبوت حضرت عیسی (ع)، وحیانی و الهی است، در حالی که نبوت حضرت محمد (ص)، محصول شرایط محیطی است. کوئل، در ساختاری علمی،



فرضیه خود را با گزینش داده‌های تاریخی و تفسیر دگرگونه آن، به اثبات می‌رساند. در قدم اول، سعی کوئل بر آن است تا ظهور اسلام را نتیجه جریان تاریخی حاکم بر عربستان عنوان کند. نویسنده، رویدادی تاریخی را مثال می‌زند که در آن، امپراطور روم، حاکم مسیحی را بر مکه گماشت. این رویداد باعث خشم مردم مکه شد و در نهایت به اخراج حاکم انجامید (ibid, 3). از منظر وی، احساس تحقیر ناشی از سلطه خارجی، عامل مهمی در زمینه‌سازی برای ظهور اسلام بوده است. در جای دیگر، استدلال می‌کند که جنگ‌های حبشه در یمن، آشفتگی اعراب را نسبت به سلطه خارجی افزایش داده و این احساس، زمینه را برای ظهور شخصیتی مثل پیامبر اسلام (ص) که وعده استقلال و عزت می‌داد، مساعد کرده است (ibid, 6).

تجربیات تاریخی عربستان، در کلام کوئل بهانه‌ای می‌شود تا بدان وسیله ظهور اسلام را نتیجه نبوغ و استعداد حضرت محمد (ص) از درک چنین واقعیت‌هایی برشمارد. زمانی که حمله ناموفق سپاه حبشه به مکه اتفاق افتاد، به قدرت حبشه در عربستان آسیب جدی وارد شد و امیدهای استقلال طلبانه قبایل عرب را تقویت کرد. در این قسمت از متن کوئل، حضرت محمد (ص) به عنوان فردی متفکر و محاسبه‌گر تصویر شده که با مشاهده این وقایع، آموخت برای امنیت کشورش در برابر سلطه خارجی، تنها باید روی اعراب تکیه کند (ibid, 9).

زمینه‌های مذهبی عربستان قبل از ظهور اسلام، مستمسک دیگر کوئل، برای زیر سؤال بردن نبوت حضرت محمد (ص) است. تکیه اصلی در این بخش، بر قداست کعبه قبل از ظهور اسلام قرار گرفت. قداستی که به کل منطقه اطراف آن که «حرم» یا قلمروی غیرقابل تعرض تلقی می‌شد، گسترش یافته بود و در مرز آن، همه خصومت‌ها و نبردها باید ساکت می‌شد. حضرت محمد (ص)، به عنوان فردی بادرایت و زیرک ترسیم می‌شود که حرم بت پرستان شهرش را به عنوان مکانی برای زیارت مذهبی همه پیروانش تایید کرد (ibid, 19). البته، کوئل بلافاصله سخنش را نقض می‌کند. زمانی که با توجه روایت تطهیر خانه کعبه، به وجود ۳۶۰ بت در آنجا تکیه می‌کند و آن را دلیل روحیه نسبتاً آزاد و افق گسترده مکیان

برمی‌شمارد. وی، به صراحت عنوان می‌کند که اعراب شبه‌جزیره، در صورت ستایش بت‌هایشان، حاضر به پذیرش هر آیین جدیدی در شهرشان بودند، ولی هیچ‌گاه به این سؤال پاسخ نداد که اگر حضرت محمد(ص) در پی جلب دیدگاه و نظر اعراب بود، چرا با صراحت تمام با پرستش بت‌ها به مبارزه برخاست و در این راه سختی‌های فراوانی متحمل شد، (ibid, 86).

کوئل، در قدم بعدی مدعی می‌شود که محمد(ص)، با طرح دروغین وحی و ارتباط با خدا، طرد بت‌پرستی را به طور معجزه‌آسایی به خود اختصاص داد و این، در حالی بود که یکتاپرستی در آن زمان رواج داشت. وی، عنوان می‌کند که علاوه بر گروه‌های مدافع یکتاپرستی در عربستان، مسیحیان هم با چند خدایی مخالف بوده و در بخش‌هایی از نجران و دیگر بخش‌ها ساکن بودند. کوئل، بر روایتی از ابن اسحاق، استناد می‌کند که چهار نفر از اعراب در جشن سالانه‌ای که در مکه برای قربانی بت‌ها برگزار می‌شد، از عبادت بت‌ها روی‌گردان شدند. از آن میان، ورقه بن نوفل مسیحی شد و کتاب‌های زیادی را مطالعه کرد. عثمان، به امپراتور بیزانس رفت و مسیحی شد. زید هم یهودیت و مسیحیت را پذیرفت. با این وجود، بر یکتاپرستی باقی ماند و از خوردن گوشت حیوانات مرده و نوشیدن خون خودداری می‌کرد (ibid, 24). این در حالی است که در بسیاری از آیات قرآن، بر رسالت انبیای پیشین در دعوت مردم به خدای یگانه اشاره شده (صف، ۶؛ نساء، ۱۶۳؛ اعراف، ۱۵۷) و به اعتراف خود کوئل، حضرت محمد(ص) بدون انکار پیامبران پیشین، دین حقیقی نزد خداوند را اسلام می‌داند (ibid, 137).

کوئل، اصالت و تبار خانوادگی پیامبر(ص) را عامل مهم دیگری در نبوت آن حضرت برمی‌شمارد. وی، این امر را اشتباه بزرگی می‌داند که محمد(ص) را به عنوان مردی با تبار پایین معرفی کنیم. این در حالی است که گروهی از اسلام‌شناسان با تکیه بر عدم اصالت نسب حضرت محمد(ص)، نبوت آن حضرت را زیر سؤال برده‌اند. فورستر، حضرت محمد(ص) را متهم به فساد نژاد دانست. سخن وی، بر این فرض استوار بود که اسماعیل،

جد پیامبر (ص)، از زنی برده بود و نمی‌توانست حامل پیام الهی باشد: (Forster, 1992: 160). کوئل، به نقل از ابن‌هشام بیان می‌کند که رسول خدا از نظر نسب، هم از طرف پدر و هم از طرف مادر، نجیب‌ترین فرزندان آدم بود و به یکی از برجسته‌ترین قبایل عربستان تعلق داشت (Koelle, 1889: 28). کوئل، در داده‌ای کاملاً خلاف فورستر به نتیجه‌ای یکسان دست می‌یابد. گویا هر دو نویسنده، در هدف خود برای معرفی پیامبر (ص) به عنوان ضد مسیح، داده‌های متناقض را طوری تفسیری می‌کنند تا به هدف مشترکشان در معرفی حضرت محمد (ص) به عنوان ضد مسیح نایل آیند.

هدف کوئل در اثبات اصالت نسب پیامبر (ص)، در ادامه سخنانش مشخص می‌شود. وی، بیان می‌کند که خانواده محمد (ص)، از نفوذ سیاسی و اجتماعی بسیار قدرتمندی برخوردار بوده و نقش بارزی در مذاکره با ارتش مهاجم حبشه داشتند. با مدیریت ماهرانه عبدالمطلب، جد پیامبر (ص) بود که مکه از تصرف و غارت شهر دور نگه داشته شد. از طرف دیگر، مهمترین منافع این خانواده بر روی کعبه متمرکز بود که سرپرستی آن را به دست آورده بودند و پذیرانی زائران را برعهده داشتند. ثروت آنها از طریق مشارکت فعال در تجارت تأمین می‌شد. بخصوص که سفرهای تجاری منظم به سرزمین‌های دور، دانسته‌هایشان را در باب سرزمینهای مجاور افزایش داد (ibid, 36). بدین طریق، با چنین چینی از روایات تاریخی، می‌خواهد خواننده را بدین امر رهنمون کند که نبوت پیامبر (ص)، در جهت تأمین منافع بنی‌هاشم بود. سفرهای تجاری، نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد تا آموزه‌های دین اسلام، نتیجه تجربیاتی فرض شود که پیامبر (ص)، در این سفرها به دست می‌آورد.

کوئل، بدین سؤال پاسخ نگفت که اگر نبوت حضرت محمد (ص) برای کسب منافع بیشتر بود، چرا در ماجرای شعب‌ابی طالب، بنی‌هاشم به خاطر دفاع از پیامبر (ص)، نه تنها منافع تجاری‌شان به خطر افتاد، بلکه به موجب تحریم‌های اقتصادی، مجبور به جیره‌بندی مواد غذایی شدند، اما با این وجود حاضر نشدند تا از حمایت همه‌جانبه حضرت محمد (ص) دست بردارند (بیهقی، ۱۴۰۵: ۳۱۵/۲). بدین ترتیب، کوئل در مقام تبشیری خود با گزینش و

ارائه دگرگونه روایات، در تحلیل شخصیت پیامبر(ص) ناکام مانده است

## ۲. تقلیدی بودن آموزه‌های اسلامی

کوئل، در نوشتار خود سعی داشته تا مسیحیت را دین راستین و حقیقی و اسلام را دین تقلیدی و مأخوذ از مسیحیت قلمداد نماید. این انگاره، سابقه طولانی در تصویرسازی نویسندگان غربی داشته و در نخستین منابع نوشته شده در قرون وسطی بازتاب یافت. کوئل، به تقلید از پیشینیان خود، مدعی می‌شود که دین اسلام، مقتبس از مسیحیت بوده و وحیانی نیست، بدین واسطه وی، فهرست مطولی از مواردی که به گمان وی، پیامبر(ص) از مسیحیان اخذ کرده، آورده است:

(۱) نسل محمد(ص) از طریق حضرت ابراهیم به آدم می‌رسد، همانطور که در مورد عیسی مسیح است.

(۲) همانطور که فرشته جبرئیل، نطفه عیسی(ع) را به سوی مریم مقدس فراخواند، نطفه محمد(ص) نیز از بهشت فراخوانده شد. در انجیل لوقا ذکر شده که فرشته جبرئیل از طرف خدا فرستاده شد... به سوی مریم باکره... و به او گفت که نترس، خداوند برای تو مطلوبی را آفرید و گفت: من در رحم تو قرار می‌گیرم و پسری برایت به ارمغان می‌آورم. در روضه الاحباب آمده که نور حضرت محمد(ص) از طریق عبدالله به آمنه منتقل شد و در آن شب، خدا به خزانه دار بهشت دستور داد تا دروازه‌های بهشت را به افتخار نور حضرت محمد(ص) باز کند و در آنجا، محل زندگی‌اش را در بدن آمنه گذراند: (Koelle, 1889). (253)

(۳) تولد هر دو با شکوه نور آسمانی و ظهور فرشتگان و نشانه‌هایی بر روی زمین مشخص شد. در انجیل متی آمده که وقتی عیسی(ع)، در بیت لحم به دنیا آمد، دانشمندانی از شرق به نشان ستاره دنباله‌دار به اورشلیم آمدند تا او را ببینند. عبدالرحمن بن عوف، نیز از قول پرستار آمنه نقل کرد که در هنگام تولد محمد(ص)، صدایی از دنیای غریب به گوشم رسید که می‌گفت: پروردگارت رحمت خویش را به تو نشان داد و چهره زمین را از شرق تا غرب روشن

کرد.

۴) برکت و خوشبختی بر روی سینه آنها قرار گرفته است، اما برای یکی قابل مشاهده و برای دیگری غیرقابل مشاهده بود. در انجیل لوقا ذکر شده که زنی به عیسی (ع) گفت: «پر برکت و خوشبخت رحمی است که تو را به دنیا آورده و مادری که تو شیر او را مکیده‌ای». در کتاب روضة الاحباب به نقل از ابن عباس آمده که همه موجودات، حتی پرندگان نیز برای امتیاز شیردهی پیامبر (ص) به مبارزه برخاستند و فراخوانی از همه موجودات داده شد، اما از ابتدا این افتخار برای حلیمه سعیدیه بود.

۵) محمد (ص) و عیسی (ع)، طبیعت و سرنوشت آنها به وسیله وحی خاصی شناخته شد. در انجیل لوقا آمده که مریم، پس از تولد عیسی (ع)، او را در جعبه‌ای میان چوپانان گذاشت. در آن زمان فرشته‌ای به چوپانان گفت: «نترسید، برای اینکه من شادی بزرگی را برایتان به ارمغان آورده‌ام، فردی متولد شده که همه مردم را نجات خواهد داد و او عیسی (ع) در شهر دیوید است». از عبدالمطلب روایت شده که زمان تولد حضرت محمد (ص)، در کعبه بودم و دیدم چهار نفر به سمت مقام ابراهیم رفتند. در آن هنگام، صدای عجیبی شنیدم که می‌گفت: خداوند بزرگ و متعال، حضرت محمد (ص) را به عنوان نبی انتخاب کرده و پروردگار، کعبه را به واسطه او از بت‌ها پاک خواهد کرد (ibid, 259).

۶) همانند عیسی (ع)، تولد محمد (ص) هم در پرستشگاه ملی اعلام شد. در انجیل لوقا آمده که وقتی عیسی به دنیا آمد، بر طبق قانون موسی، او را به معبد آوردند. ابن اسحاق روایت کرد که وقتی حضرت محمد (ص) متولد شد، عبدالمطلب او را در کنار کعبه برده و از خداوند تشکر کرد (ibid, 261).

۷) هر دو آنها، در دوران کودکی تحت نفوذ خاص خداوند قرار گرفتند. در انجیل لوقا ذکر شده که وقتی عیسی (ع)، رشد کرد، روحش جلا یافت و پر از خرد شد. حلیمه، اولین برخورد خود با حضرت محمد (ص) را چنین توصیف کرد: «وقتی حضرت محمد (ص) را در میان پشم سفید یافتم، بوی عطر مشک از او استشمام کردم. او را در بغل خود گرفتم و چون،

زیبایی و عدالت او را دیدم، مشتاق تر شدم، چرا که فقط از سینه راست من شیر مکید، ولی وقتی سینه چپ خود را در دهانش قرار دادم، آن را نمکید» (ibid, 262).

باید توجه داشت که وجود برخی اشتراکات بین برخی روایات تاریخی انبیای پیشین و یا آموزه‌های قرآن و اهل کتاب، حاکی از منشأ الهی واحد در بین ادیان آسمانی است. از طرف دیگر، آموزه‌های قرآنی، تفاوت‌های فراوان و جوهری با عهدین دارد (رک: اسدی، ۱۳۹۶: ۳۴-۴۰). بخصوص، اگر صرف وجود برخی درون‌مایه‌های مشترک، دلیل بر اقتباس و اتخاذ معلومات باشد، می‌توان مدعی شد که تورات، مأخوذ از قوانین حمورابی است، زیرا تورات متأخر بوده و مشترکات زیادی بین دو کتاب وجود دارد (کرمانی، ۱۳۸۶: ۱۷).

در باب تأثیر پذیری از یهود، کوئل معتقد بود که حضرت محمد (ص)، در ابتدا برای جذب یهودیان به اسلام، خود را با آنها وفق می‌دهد. بدین جهت، در سندی که اولین قانون اساسی مدینه به شمار می‌رفت، با یهودیان به عنوان هم‌پیمان رفتار کرده و آزادی عمل در دینشان را برای آنها تضمین نمود. حتی اورشلیم، قبله یهود را به رسمیت شناخت. از منظر کوئل، تمامی این اقدامات سودی نبخشید و یهودیان با پیامبر (ص) همراه نشدند، بنابراین، حضرت محمد (ص)، تصمیم گرفت تا جهت قبله را به سمت کعبه گردانید (Koelle, 1889: 20). در حالی که خود در جای دیگری از متن کتابش اعتراف می‌کند که عبدالله بن سلام و مخیریق با تشخیص ویژگی‌های پیامبری در حضرت محمد (ص) مسلمان شدند (Koelle, 1889: 130).

در پاسخ می‌توان گفت که دلایل مختلفی برای تغییر جهت قبله ذکر شده است. برخی، تغییر قبله مسلمانان را عکس‌العملی در مقابل طعنه‌های یهود دانسته‌اند (طبری، ۱۳۸۷: ۱۷۳/۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۹۸/۱)، اما مفسرین دیگری، بر آزمایش الهی تأکید کرده‌اند (زمخشری، ۲۰۳/۱). البته، نکته مغفول، این است که یهودیان پس از تغییر جهت قبله نزد پیامبر (ص) آمده و خواهان برگرداندن قبله به بیت‌المقدس شدند (بیهقی، ۱۴۰۵: ۲۷۲/۲؛ ابن‌هشام، ۶۰۷/۱). بنابراین، فرضیه همراه کردن یهودیان با پیامبر (ص) در آغازین

سالهای ورود به مدینه، مغلوب و سوگیرانه است، چرا که اگر حضرت محمد(ص)، چنین قصدی را دنبال می‌کرد، می‌بایست پیشنهاد سازشی یهودیان را می‌پذیرفت.

### ۳. جنگ طلبی

کوئل، در مقایسه پیامبر اسلام(ص) و حضرت عیسی(ع)، چنین وانمود کرد که عیسی(ع)، نوید بخش صلح و آرامش بود، در حالی که محمد(ص)، تنها به زور شمشیر توانست مخالفانش را سرکوب نماید و مردم را به سوی خود جذب نماید. گرچه، در دوران مکی، نمادی از خشونت و جنگ نمی‌یابد، ولی خشونت طلبی محمد(ص) را مربوط به زمانی می‌داند که به مدینه وارد شده و برای تشکیل حکومت، از نیروی زور و خشونت استفاده کرد(140, ibid).

کوئل، لشکرکشی‌های اولیه پیامبر(ص) در مدینه را با هدف غارتگری عنوان کرد، ولی به اذعان خود وی، با وجود تلاش‌های نیروهای اعزامی، عملیات جنگی ناکام ماند. تکیه اصلی وی، بر سریه نخله به رهبری عبدالله بن جحش است که نیروهای جنگی مسلمان، کالاهای تجاری را به تصرف خود درآوردند. کوئل، گرچه مخالفت صریح پیامبر(ص) و مقابله جدی با فرمانده جنگی نخله را می‌پذیرد، ولی با ذهن خوانی برخاسته از غرض‌ورزی، دلیل آن را مخالفت جامعه مدینه برای جنگ در ماههای حرام عنوان می‌کند(143, ibid).

کوئل، در توصیف جنگ بدر، بسیاری از داده‌های تاریخی چون توصیه به رعایت حال اسیران(ابن هشام، ۶۴۵/۲) و اصرار پیامبر(ص) برای گرفتن فدیة را نادیده می‌گیرد(طبرسی، بی‌تا: ۵۵۸/۴). وی، در ادعایی بدون پشتوانه، انگیزه مسلمانان را در جنگ بدر، کسب غنیمت جنگی بیان می‌کند(Koelle, 1889: 140)، در حالی که خود معترف است که بنا بر محاسبات عادی، پیروزی سپاه مسلمانان، بعید به نظر می‌رسید. اما با تفسیر به رأی سخن پیامبر(ص) در باب وعده بهشت به مسلمانی که از روی عشق به خدا تا زمان کشته شدن در جنگ پافشاری کنند، دلیل پیروزی در جنگ بدر را باور به چنین سخنانی می‌داند(129, ibid). این چنین انگاره‌ای، با غرض‌ورزی تمام مورد تأکید اسلام‌شناسان واقع شد(نک:

(Muir, 1878, 85; Irving, 1889: 51).

تفسیر به رأی و خارج کردن روایات تاریخی، از روش‌های مرسوم کونل در جهت اهداف از پیش تعیین شده خویش است؛ چنان‌که در ماجرای غزوه بنی‌نضیر، سوء قصد به جان پیامبر(ص) را بدون هیچ پشتوانه‌ی سندی، ساختگی می‌شمارد تا مسئولیت جنگ با یهودیان را کاملاً به حضرت محمد(ص) واگذار کند (Koelle, 98).

برخی از اسلام‌شناسان، به انتقاد از دیدگاهی پرداختند که اصل اساسی انتشار آموزه‌های دین اسلام را شمشیر عنوان می‌کردند. آنان با دلایل و استناداتی، نشان دادند که پیامبر(ص)، تا جایی که امکان داشت از خشونت استفاده نکرد و اصل و اساس آموزه‌های اسلامی، صلح و رحمت است. این انگاره از قرن هجدهم در منابع بازتاب یافت. در این قرن، هنری استاب، با بیان انتقادی نسبت به پیشینیانش، عنوان می‌کند که محمد(ص)، هیچ وقت از خشونت علیه مذاهب دیگر استفاده نکرد (Stubbe, 1911, 180) و پیروان یهود و مسیح و باورمندان به خداوند یگانه را اهل نجات معرفی کرد (ibid, 186). آدریانوس ریلاند، در توصیف پیامبر(ص) به عنوان فرد صلح‌طلب، عنوان می‌کند که آن حضرت، همه ایمان‌آوردگان به خدا و روز قیامت را نجات‌دهنده دانست (Reeland, 1712, 48).

در قرن نوزدهم، گودفری هیگینز، بر این عقیده اصرار ورزید که محمد(ص)، برای انتشار اصول مذهبی خود، از ابزار صلح‌آمیز استفاده می‌کرد و فصاحت در کلام و تکریم پیروان را از دلایل مهم پیروزی پیامبر(ص) برشمرد (Higgins, 1829, 15). کارلایل، بر این باور بود که محمد(ص)، آیین خود را فقط با حکمت و موعظه حسنه تبلیغ کرد و تنها زمانی دست به شمشیر برد که بت‌پرستان، برای نابودی آیین او تمامی تلاش خود را انجام دادند. وی، مسیحیان را مورد تخطئه قرار می‌دهد که چطور می‌توانند باور داشته باشند که انتشار دین اسلام به وسیله شمشیر بوده است، زیرا اگر کمی تدبیر کنند، درخواهند یافت که این نیروی دین محمد(ص) بود که این شمشیر را در جزیره‌العرب، از غلاف بیرون کرد و برق آن را در قله کوه‌های فرانسه و اسپانیا تا سمرقند ظاهر کرد، دینی که با حقیقت و راستی همراه بود و توانست



در همه عالم نمایان شود (Carlyle, 1840, 72). جان دیون پورت، با اشاره به منازعات خونین و بی‌فایده مذهبی مسیحی و قتل‌عام‌های محاکم تفتیش عقاید، عنوان می‌کند که محمد(ص) را به لحاظ اینکه دینش را به وسیله قدرت تبلیغ می‌کرد و عفو و اغماض را درباره دیگران رعایت نکرد، نمی‌توان ملامت نمود، زیرا محمد(ص)، می‌تواند ادعا کند که اگر اعمال قدرت، فی حد ذاته خطا باشد و هیچگاه نتوان از راه مشروع و قانونی، آن را مورد استفاده قرار داد، چطور از قرن چهارم تا به امروز، مسیحیان از آن استفاده کرده‌اند (Davenport, 1869, 138).

#### ۴. شهوت‌طلبی

شهوت‌طلبی، ویژگی شخصیتی دیگری بود که کوئل، در ترسیم چهره پیامبر(ص) به عنوان ضد مسیح، بر آن تأکید داشت. کوئل، در ترسیم تصویر خانوادگی پیامبر(ص)، بر آن بود تا با تفسیر دلبخواهانه روایت‌ها، خواننده خود را بدین نتیجه برساند که عیسی(ع)، زندگی بدون گناهی داشت، درحالی‌که محمد(ص)، در تمامی عمر، فردی شهوت‌طلب بود و زنان بسیاری را به همسری گرفت. وی، در گفتاری مغرضانه بیان می‌کند که حضرت محمد(ص)، به یارانش اجازه داد تا چهار همسر اختیار کنند، در حالی‌که در زمان مرگش، ۹ نفر از همسرانش، در قید حیات بودند و بدین ترتیب، سنت مقدس زناشویی را به ابزاری برای فسق و بی‌قانونی تنزل داد (ibid: 521). غرض ورزی کوئل، او را از این حقیقت دور داشت که پیامبر(ص)، بیست و پنج سال از بهترین ایام زندگی خود را تنها با یک زن که به تصدیق منابع بیوه هم بود، سپری کرد (طبری، ۱۳۸۷: ۷۵/۳؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۱۸۷/۷). آن هم در روزگاری که گرفتن همسران متعدد، امری مرسوم بود. سن بالای دیگر همسران پیامبر(ص) که اغلب آنها بیوه بودند، نشان می‌دهد که انگیزه‌های شهوانی نمی‌توانست مصداق چنین ازدواج‌هایی باشد (نک: دیالمه، ۱۳۸۹: ۱۵۳). از طرف دیگر، زمان ازدواج‌های پیامبر(ص)، معمولاً در فاصله سنی پنجاه تا شصت سالگی و در اوج جنگ با مشرکان مکه بوده است. در حالی‌که امیال نفسانی اقتضا می‌کند که ازدواج با زنان در سن جوانی و حداقل، در زمان تحکیم قدرت

صورت پذیرد. در حالی که داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که پیامبر(ص)، پس از فتح مکه، همسر دیگری اختیار ننمود. آخرین همسر پیامبر(ص)، میمونه بود که پیامبر(ص) در سال هفتم هجری و در بحبوحه جنگ با مکیان، با وی ازدواج کرد و از این تاریخ به بعد، همسر دیگری اختیار ننمود(ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۳۲/۸). نکته مهم‌تر اینکه، نزول آیات قرآن تدریجی بوده و آیه محدودیت تعدد زوجات، در سال هشتم هجرت نازل شده و تا قبل از آن زمان، وجوب نداشته است(هیگل، ۱۳۵۴ق: ۲۰۷).

کوئل، در ادامه ضد مسیح خواندن پیامبر(ص) بر ازدواج آن حضرت با زینب بنت جحش تاکید کرده و مدعی می‌شود که محمد(ص)، برای اینکه ازدواج خود با زینب را توجیه کند، آن را دستوری از جانب خداوند عنوان می‌کند(67, ibid). کوئل، بدین سؤال پاسخی نداد که چرا حضرت محمد(ص) با وجود علاقه به زینب، واسطه ازدواج وی با پسرخوانده‌اش زید شد و حتی پس از تصمیم زید به طلاق، با وی مخالفت کرد. تنها بعد از بی‌ثمر ماندن اصرار پیامبر(ص) برای سازش زینب و زید و بعد از نزول حکم خداوند برای لغو حکم جاهلی، آن حضرت به زینب پیشنهاد ازدواج داد (ابن هشام، ۱۹۸۵: ۶۴۴/۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸۸/۸؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵م: ۶/۱۲۶).

برخی از اسلام‌شناسان، به انتقاد از انگاره شهوت‌طلبی برخاسته و ساحت وجودی پیامبر اسلام(ص) را از این تهمت مبرا دانستند. دیون پورت، نویسنده قرن نوزدهم میلادی، به اسلام‌شناسانی که با تمسک به چند همسری حضرت محمد(ص)، به اتهام شهوت‌طلبی دامن زدند، چنین پاسخ داد که صرف نظر از اینکه، تعدد زوجات در زمان حیات محمد(ص) در تمام عربستان و سایر نواحی مشرق‌زمین معمول بوده و خلاف اخلاق شمرده نمی‌شد، می‌بایست این نکته را بخاطر آورد که آن حضرت، بیست و پنج سال از بهترین ایام زندگانی خود را با داشتن یک زن راضی و قانع بود و تا هنگامی که خدیجه زنده بود، زن دیگری نگرفت. در این صورت، باید پرسید چطور مرد شهوانی در چنان کشوری که تعدد زوجات عمل عادی شمرده می‌شود، برای بیست و پنج سال به یک زن قانع باشد(Davenport, 1869: 26)؟

وی، در جای دیگر عنوان می‌کند که مبلغین نادان و دسته‌ای از کوتاه‌نظران، چنین تصور می‌کنند که پیامبر (ص)، به سبب شهوت‌رانی با زنان متعددی ازدواج کرده است، ولی آنچه من در قرآن می‌بینم، خلاف این است. نفی زینت و منع زنان از استعمال آن، به طرز روشنی نشان می‌دهد که رابطه زناشویی محمد (ص)، کاملاً مخالف هوی و هوس است. از این بالاتر می‌بینیم که خداوند متعال، به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که اگر همسرانش تمایل به استفاده از زینت آلات دارند، آنان را طلاق دهد. هر کسی می‌تواند تشخیص دهد که تمامی جوانب این داستان و ابلاغ نهایی محمد (ص)، برخلاف شهوات و تمایلات انسانی شده است (ibid, 133). گودفری، به انکار تهمت شهوت‌طلبی حضرت محمد (ص) پرداخت و افزود که آن حضرت در سن بیست و پنج سالگی، با زنی بیوه که پانزده سال از او بزرگتر بود، ازدواج کرد. این سن، اوج هیجان‌ات جوانی بود و طبق قوانین کشورش مجاز بود تا همسران متعددی را اختیار کند (Higgins, 1829: 27). کارلایل، بیان داشت که به رغم نظر دشمنان، هرگز محمد (ص) مرد شهوت‌پرستی نبوده است. مردی که خوراکش، نان خالی بود و بسا ماهها می‌گذشت که از خانه‌اش، دودی برای طبخ بلند نمی‌شد، با شهوت و لذت‌پرستی، میانه‌ای ندارد (Carlyle, 1840: 11).

##### ۵. بیماری جسمی و روحی

اسلام‌شناسان غربی برای زیرسؤال بردن نزول وحی به پیامبر (ص)، آن حضرت را متهم کردند که از اختلالات روانی رنج می‌برد. این دسته از نویسندگان، در پیشبرد پروژه ضد مسیح، مجبور بودند تا انتساب وحی الهی به پیامبر (ص) را دروغین فرض کنند. بدین جهت از دوره قرون وسطی، به کرات به انتساب اختلال بیماری جسمی و روحی به حضرت محمد (ص) پرداختند (نک: Di cesare, 2012: 165; Theophanes, 1885: 109). کوئل نیز در تقلید از پیشینیان خود بر بیماری پیامبر (ص)، صحنه می‌گذارد و بدان شاخ و برگ می‌دهد. وی، اختلالات روانی را مربوط به زمان کودکی پیامبر (ص) دانست و عنوان کرد که به گزارش ابن اسحاق، وقتی محمد (ص)، نزد حلیمه بود و برای بازی بر بالای کوهی رفته بود، دو مرد

سفیدپوش، او را با خود به بالا بردند و لکه سیاهی را از قلبش درآوردند. وقتی حلیمه متوجه این ماجرا شد، ترسید که شیطان بر او وارد شده باشد. بنابراین، کودک را به نزد مادرش برگرداند (Koelle, 1889: 41). وی، با استناد به کتاب سیره روضه الاحباب، آورد که محمد(ص) در سن ۷ سالگی، توهمات را می‌دید و می‌شنید. در سن ۱۱ سالگی، صداهایی را می‌شنید، بدون اینکه شخصی را ببیند. کوئل، این حالات را مربوط به تغییراتی در سیستم عصبی دانست که منجر به توهمات در حالت هوشیاری کامل به نیمه هوشیار می‌شود (ibid, 58). وی، در جای دیگر افزود که محمد(ص)، قبل از ادعای نبوت، به مسیحیت احترام می‌گذاشت، اما وقتی ناسازگاری روحی و جسمی در او پدیدار شد، جرقه‌ای از دنیای تاریک درونش برخاست و مدعی ظهور دین جدید شد (ibid, 56). از آن جمله، به گزارشی از سیره ابن اسحاق، استناد کرد که در زمان ارتباط با جبرئیل، چهره محمد(ص) سرخ می‌شد و بر زمین می‌افتاد. گاهی اوقات، نیز بر پشت شتر بود و به خاطر سنگینی وحی، زانوی شتر خم می‌شد (ibid, 66).

کوئل و هم‌مسلكانش از این امر غفلت ورزیدند که چطور فردی می‌توانست با چنین نقص بزرگی، مورد پذیرش طیف گسترده‌ای از مردم واقع شود. به علاوه که کوئل، بارها در نوشتار خود بر تفکر و هوشمندی پیامبر(ص) در راهبری جامعه اذعان کرده بود و طبعاً حملات هیجانی و روانی، می‌توانست مانعی جدی در این امر به شمار آید. به علاوه، این نکته از نظر آنان دور مانده است که چنین افرادی، در روابط بین فردی و اجتماعی خود دچار مشکل هستند و مردم از رفت‌وآمد با آنان کراهت دارند (انجمن روان پزشکی آمریکا، ۱۳۹۳: ۶۵). این در حالی است که پیامبر(ص)، نه تنها در میان خویشاوندان و دوستانش، حتی در میان کسانی که با آنان همسویی فکری نداشت، فرد محبوبی بود (واقعی، ۱۴۰۹: ۲۱۸/۱؛ ابن‌هشام، ۱۹۸۵: ۵۳۲/۱).

البته اسلام‌شناسانی نیز بودند که با دید عالمانه‌ای، انگاره بیماری جسمی و روانی را به نقد کشیده و این تصور را حاصل تعصب دانستند. هنری بولنویلیه که زمینه دید معتدل‌تری به

پیامبر (ص) را به وجود آورد، در انتقاد از نویسندگان مسیحی که مدعی نواقص جسمی و روحی در حضرت محمد (ص) شدند، عنوان می‌کند که همین افراد، آموزه‌های محمد (ص) را تجدید دین مسیحیت می‌دانند، اما هیچ‌گاه به این سؤال پاسخ نمی‌گویند که چطور فردی با چنین عیوب طبیعی، تحت تعلیم و آموزش قرار گرفته و مبدع دین جدیدی می‌شود. (Boulainvilliers, 1752, 120 De). ادوارد گیبون، انتساب بیماری به پیامبر (ص) را اتهام پوچی دانست که تمامی شایستگی‌های معنوی و نبوغ ذهنی‌اش، بر این امر گواهی می‌دهد (Gibbon, 1881, 171). جان دیون پورت، انتساب به بیماری را از گفته‌های بی‌اساس و اظهارات ناهنجار یونانی دانست که خواسته‌اند تا به وسیله تهمت تأثیر عوارض مرضی بر تبلیغ کننده عقیده تازه و بدیع، لکه‌ای وارد سازند و خصوصیات اخلاقی او را مورد نفرت و انزجار جهان مسیحیت قرار دهند (Davenport, 1869: 14).

#### ۶. افسانه‌سازی

افسانه‌سازی، دستاویز دیگر کوئل در پیشبرد طرح‌واره معرفی حضرت محمد (ص) به عنوان ضد مسیح است. وی، ادعا می‌کند که رویدادهای عادی زندگی محمد (ص) با صفات غیرطبیعی به نمایش گذاشته شد. مستندات وی برای چنین مدعایی، روایات ضعیف‌السندی چون سفر پیامبر (ص) در کودکی به شام و دیدار با بحیرا که با افسانه‌های عجیبی چون سایه افکندن دو تکه ابر بر بالای سر محمد (ص) و مژده نبوت محمد (ص) از زبان ورقه‌بن نوفل دانست (Koelle, 1889: 46). اختلاف در روایت‌های خبر مذکور، بسیار جدی است. در کهن‌ترین روایات، بر نصرانی بودن وی تصریح شده است (ابن هشام، ۱۹۸۵: ۱/۱۱۶؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۲/۳۷)، در حالی که برخی دیگر، وی را یهودی می‌دانستند (دمشقی، ۱۴۰۷: ۲/۲۲۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱/۴۷۵). همچنین، در مورد سن پیامبر (ص) و نحوه ملاقات آن حضرت با بحیرا، اختلافاتی وجود دارد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱/۱۲۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲/۲۷۸)؛ بنابراین، روایات مذکور، اشکالات جدی دارد و برخی محققان، آن را ساختگی و غیرواقعی می‌دانند (زرگری نژاد، ۱۳۸۴: ۱۸۴).

کوئل، در ادعایی عجیب و شگرف، تصور مسلمانان از پیامبرشان را غیر واقعی و تخیلی برمی‌شمارد و بیان می‌کند که تضاد عظیمی بین معجزات کتاب مقدس و سنت اسلامی وجود دارد. وی، عجایب کتاب مقدس را شبیه گل‌های زیبای بهشت می‌داند که از زمینه‌ای کاملاً اخلاقی سرچشمه می‌گیرند، در حالی که معجزات حضرت محمد(ص) را نمایشی تفاخر آمیز برای اثبات نبوت برمی‌شمارد. وی در نوشتاری تعصب آمیز بیان می‌کند که حضرت محمد(ص)، بیشتر مستعد بود تا با بخشیدن رنگ و بوی معجزه‌آسا به چیزهای کاملاً طبیعی، خود را در نزد دیگران بالا ببرد (Koell, 1889: 448).

البته اسلام‌شناسانی نیز بودند که با دیدگاه استفاده از افسانه‌سازی و امور غریبه برای جذب پیرو به مخالفت برخاستند. گودفری، با بیان اینکه در زمان پیامبر(ص)، هیچ عقیده‌ای برای قدرت فراطبیعی وجود نداشت و تمامی ادعاهای پیشینیان خود را در باب استفاده محمد(ص) از امور عجیب و غریب برای جذب پیرو را زیر سؤال برد (Higgins, 1829: 4). وات، در انتقاد از این دیدگاه، عنوان می‌کند که در قرآن، هیچ علامتی از عقیده به کارایی نیروی جادویی آنها وجود ندارد (Watt, 1956, 312).

### نتیجه

کتاب محمد و محمدیانیم، از جمله متونی است که با وجود استفاده از منابع اسلامی و ساختار علمی، تحت سیطره دیدگاه‌های استعماری و تبشیری نگاشته شد. نویسنده، با هدف از پیش تعیین شده اثبات برتری مسیحیت سعی نمود تا به تئوری ضد مسیح خواندن پیامبر اسلام(ص) جامه عمل بپوشاند و به عنوان نماینده تمام عیار مسیحیت، به گمان خود سعی داشت تا مسلمانان را با دین راستین آشنا کند. در این راه، از تفسیر دگرگونه و گزینش روایات تاریخی بهره جست. در درجه نخست، با ارائه پیش فرض ذهنی، مدعی می‌شود که ظهور دین اسلام، محصول شرایط زیست محیطی و سیاسی عربستان است. چنین ادعایی برخاسته از نظریه تکامل اجتماعی بود که در قرن نوزدهم سربرآورد. ارائه تصویر دگرگونه و منفی از

حضرت محمد(ص) به عنوان پیام‌آور اسلام، با انتساب انگاره‌هایی که نویسندگان غربی قرن‌ها پیش بر آن تأکید کرده بودند، دنبال شد. انگاره‌هایی چون تأثیرپذیری از آیین یهود و مسیح، جنگ‌طلبی، افسانه‌سازی و انتساب به اختلالات روانی، در خدمت اهداف تبشیری قرار گرفت. کوئل، از جمله اسلام‌شناسانی به شمار می‌رفت که به واسطه آشنایی با زبان عربی و استناد به متون اصلی اسلامی، می‌بایست شناخت بهتر و صحیح‌تری از پیامبر(ص) ارائه دهد، اما همانطور که گفته شد وابستگی وی به استعمار و تبشیر، تخصص را تحت‌الشعاع برنامه‌های از پیش تعیین شده‌ای قرار داد. بدین جهت، علم و پژوهش در خدمت اهداف استعماری قرار گرفت تا شخصیت پیامبر(ص) در غرب با انگاره‌های منفی و ساختگی تصویر شود.

## کتابنامه

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۹۶۵). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
- ابن سعد (۱۴۱۰). *الطبقات الکبری*. به کوشش محمد عبد القادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن هشام (۱۹۸۵). *السیره النبویه*. به کوشش مصطفی السقا. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- اسدی، علی (۱۳۹۶). «بررسی و نقد نظریه اقتباس قرآن از عهدین». معرفت ادیان، ۳۱ (۳)، ۴-۲۹.
- انجمن روان پزشکی آمریکا، راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (۱۳۹۳). ترجمه فرزین رضایی. تهران: کتاب ارجمند.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۴۰۵). *دلایل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة*. تحقیق عبدالمعطی قلعجی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الدمشقی، ابن کثیر (۱۴۰۷). *البدایة و النهایة*. بیروت: دارالفکر.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۴). *تاریخ صدر اسلام (صدر نبوت)*. تهران: سمت.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتب العربی.
- الزیادی، فتح الله، و حسین زاده شانه چی، حسن (۱۳۸۳). *نگاهی به مکاتب شرق شناسی در اروپا*. تاریخ اسلام، ۲۰ (۴)، ۱۵۲-۱۵۹.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (بی تا). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. به کوشش ابوالحسن شعرانی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). *تاریخ الامم و الملوک*. به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالتراث.
- عرب احمدی، امیر بهرام (۱۳۹۶). *جامعه و فرهنگ سیرالنون*. تهران: الهدی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵). *الاصابه*. به کوشش عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- القرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵). *التفسیر*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کرمانی، محمدفهمیم (۱۳۸۶). *ترجمه انجیل برنابا*. تهران: صحیفه خرد.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). *المغازی*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- هیكل، محمدحسین (۱۳۵۴ق). *حیة محمد*. قاهره: مطبعة مصر.
- یاری، یاسمن، و ولوی، علی محمد (۱۳۹۸). *تأثیر تبشیر بر انگاره سازی اسلام شناسان انگلیسی زبان از پیامبر اسلام (ص)*. تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، ۱۰۹ (۲۴)، ۲۸۱-۳۰۶.



- Bennett, Clinton (1992). *Victorian Images of Islam*. London: Gorgias Press.
- Carlyle, Thomas (1840). *On Heroes, Hero-worship and the Heroic in History*, London: Chapman and Hall.
- Davenport, John (1869). *An apology for Mohammed and the Koran*, London: J. Davy and Sons.
- De Boulainvilliers, Henri (1752). *The life of Mahomet*, London: T. Longman.
- Di Cesare, Michelina (2012). *The Pseudo-Historical Image of the Prophet Muhammad*. Berlin: Walter de Gruyter.
- Forster, Charles (1829). *Mahometanism Unveiled*. Duncan: Cochran.
- Gibbon, Edward (1881). *Life of Mahomet*. Houghton: Mifflin.
- Gilmour, Rachael (2007). *Missionaries, Colonialism and Language in Nineteenth-Century South Africa*. *History compass*. University of Toronto, London: Wiley-blackwell
- Gunny, Ahmad (2015). *Prophet Muhammad in French and English Literature: 1650 to the Present*. New York: Islamic Foundation.
- Higgins, Godfrey (1829). *An apology for the life and character of the prophet Mohamed*. London: Oxford University.
- Hourani, Albert (1992). *Islam in European Thought*. Cambridge: Cambridge University Press,
- Irving, Washington (1989). *Life of Mohammed*. Ipswich Press, Ipswich Press.
- Johnston, Harry (1923). *The Story of my life*, Indiana: Bobbs-Merrill.
- Kecia, Ali (2014). *The Lives of Muhammad*, Harvard University Press.
- Koelle, Sigismund Wilhelm (1889). *Mohammed and Mohammedanism*. London: Rivingtons.
- Koelle, Sigismund Wilhelm (1854). *African native literature, or Proverbs, tales, fables, and historical fragments in the Kanuri or Bornu language*. London: Alpha.
- McGrath, Alister (2016). "Protestantism", *the Wiley Blackwell Companion to World Christianity*, John Wiley & Sons Ltd.
- Muir, William (1878). *The life of Mahomet: from original sources*. Smith: Elder.
- Phipps, William (1999). *Muhammad and Jesus, a Comparison of the Prophets and Their Teachings*, London: Bloomsbury Academic.
- Reeland, Adrianus (1712). *Four Treatises Concerning the Doctrine, Discipline and Worship of the Mahometanism*. London: J. Darby.
- Smith, Andrew; Walls, F (2004). "Sigismund Wilhelm Kölle", *Encyclopedia of Protestantism*. v4. Hans J. Hillerbrand. 1016-1017.
- Stock, Eugene (1899). *The history of the Church Missionary Society: its environment, its men and its work*. London: Church Missionary Society
- Stubbe, Henry (1911). *An Account of the Rise and Progress of Mahometanism: With the Life of Mahomet, and a Vindication of Him and His Religion from the Calumnies of the Christians*. London: Luzac and Company.
- Theophanes, Anastasius (1885). *Theophanis Chronographia*. Lipsiae: B.G. Teubneri.

- Thomas, David (2020). *Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History*. Leiden: Brill.
- Tupper, Henry Allen, Dwight, Henry Otis & Bliss, Edwin Munsell (1904). *The Encyclopedia of missions: Descriptive, historical, biographical, statistical*, Michigan: Gale Research.
- Watt, William Montgomery (1956). *Muhammad at Medina*, London: Clarendon Press.
- Zwemer, Samuel Marinus (2010). *The Moslem World*. Whitefish: Kessinger Publishing.